

سیفلیس چیست؟

هدیه‌ای برای سیاهان

دکتر محمدرضا توکلی صابری

نشانه استعمار علمی و نژادی سوء شهرت یافت. شرکت کنندگان در این طرح تحقیقاتی همگی از کارگران و کشاورزان فقیر در یکی از محرومترین مناطق ایالت آلاباما در نزدیکی شهر تاسکیگی بودند. در این منطقه سیفلیس بسیار شایع بود و بسیاری از سیاهپوستان بدون آنکه بدانند بدان مبتلا بودند، منتها فکر می‌کردند که عوارض و ناراحتی‌های حاصل از این بیماری به علت «کتیفی خون» است (اصطلاح محلی که به بیماریهای مختلفی اطلاق می‌شد).

در سال ۱۹۳۲ سرویس بهداشت عمومی آمریکا تصمیم گرفت تا در مورد این موضوع که آیا سیفلیس بیشتر عوارض قلبی-عروقی ایجاد می‌کند یا عوارض عصبی، به تحقیق بپردازد و معلوم سازد که آیا سیر طبیعی سیفلیس در سیاهپوستان تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سفیدپوستان دارد یا نه. بنابراین برای شروع این طرح سرویس بهداشت عمومی از محققین موسسه شهر تاسکیگی در آلاباما یاری خواست. یک گروه شامل ۴۱۲ داوطلب مبتلا به سیفلیس درجه سوم (مرحله پیشرفته سیفلیس که طی آن

»به آنها خیانت شد ... زندگی آنها لگد مال شد ... آنچه رخ داد قابل تغییر نیست ... اکنون می‌توانیم چشم در چشم شما بدوزیم و سرانجام از طرف مردم آمریکا بگوییم: آنچه دولت در حق شما انجام داد شرم‌آور بود، و من از این بابت متاسفم».

عبارات فوق برگزیده‌ای از سخنان ویلیام جفرسون کلینتون چهل و دومین رئیس جمهور آمریکا بود که در خرداد ماه ۱۳۷۶ (می ۱۹۹۷) در کاخ سفید به عنوان پوزش رسمی در برابر ۸ نفر از بازماندگان پروژه تاسکیگی که اکنون ۸۷ تا ۹۴ ساله بودند، اظهار داشت.

پروژه تاسکیگی چه بود؟

پروژه تاسکیگی یک طرح تحقیقاتی برای تعیین اثرات سیفلیس درمان نشده بر روی سیاهپوستان آمریکا بود که توسط سرویس بهداشت عمومی آمریکا از سال ۱۹۳۲ تا سال ۱۹۷۲ ادامه یافت. پس از پایان تحقیقات و اطلاع مردم آمریکا از این طرح، به خاطر عدم رعایت موازین اخلاقی در تحقیقات پزشکی، به عنوان

فراموشی، فلج، کوری تدریجی، و حتی مرگ پیش می‌آید) و ۲۰۴ نفر داوطلب سالم به عنوان کنترل در این طرح تحقیقاتی که قرار بود به مدت شش تا نه ماه باشد، شرکت داشتند.

اگرچه سیفلیس در مراحل اولیه قابل درمان است، اما اگر درمان نشود تومورهای نرمی ایجاد می‌کند که به شکل زخمهایی در سطح پوست ظاهر می‌شود. سپس به تدریج استخوانها، کبد، قلب و مغز را منهدم کرده و سرانجام سبب فلج، کوری و کوری می‌شود. تقریباً یک سوم کسانی که درمان نمی‌شوند سالها پس از ابتلا علائم سیفلیس درجه سوم را ظاهر می‌کنند. حمله قلبی، سکته، افسردگی، تغییر شخصیت، ناپایداری عاطفی، حافظه ضعیف و سردرد از جمله علائمی هستند که معمولاً چندین دهه پس از ابتلا به سیفلیس ظاهر می‌شوند.

از همان ابتدای کار این پروژه بر مبنای نادرست علمی و اخلاقی قرار داشت. به داوطلبان گفته بودند که آنها «خونشان کثیف» است و این که «درمان رایگان» دریافت خواهند کرد. در حالی که غرض از این تحقیقات این بود که سیر طبیعی سیفلیس درمان نشده را مطالعه کنند و داوطلبان نمی‌دانستند که آنها را درمان نمی‌کنند. به علاوه پس از معاینه داوطلبان و تشخیص سیفلیس هم به آنها نگفته بودند که به سیفلیس مبتلا هستند. حتی اطلاعات کافی در اختیار آنها قرار نداده بودند تا در این مورد خودشان تصمیمی آگاهانه بگیرند. درمان بیماران در ابتدا جزو طرح تحقیقاتی بود و برای بعضی از بیماران بیسموت، آرسنیک و جیوه تجویز شده بود (در آن سالها هنوز آنتی‌بیوتیک‌ها کشف نشده بودند). اما پس از این که در طی تحقیقات

اولیه اطلاعات مفیدی به دست نیامد، تصمیم گرفته شد که داوطلبان را تا آخر عمر ردیابی کنند. بدین جهت تمام روش‌های درمانی متوقف شد، و با این که پنی سیلین در سال ۱۹۴۷ به جهانیان عرضه شد، از تجویز آن برای افراد مبتلا به سیفلیس در این طرح خودداری گردید. محققین به تحقیقات خود بر طبق همان شرایط قبلی ادامه دادند و از درمان کسانی که از آن منطقه خارج شده بودند و یا به سربازی فرا خوانده شده بودند خودداری کردند، که بر خلاف قانونی بود که درمان بیماریهای آمیزشی را الزامی می‌ساخت.

از نظر اجتماعی نیز این طرح تحقیقاتی بسیار سؤال برانگیز بود، زیرا مطالعه بر روی گروهی انجام می‌شد که از نظر اجتماعی - اقتصادی در وضعیت آسیب‌پذیری بودند. محققین فقط بر روی گروه ویژه‌ای یک مسئله بهداشتی را مطالعه و بررسی می‌کردند که فقط مختص به آن گروه نبود و به نژادهای دیگر هم مربوط می‌شد. به عبارت دیگر محققین نمی‌توانستند بگویند که این بیماری فقط ویژه سیاهپوستان است و بدین جهت فقط سیاهپوستان را در این طرح شرکت داده‌ایم. جاداشت که از سفیدپوستان یا نژادهای دیگر هم که از نتایج تحقیق بهره می‌بردند، استفاده شود.

سرانجام این طرح تحقیقاتی پس از این که یک محقق بیماریهای آمیزشی از آن باخبر شد و شیوه‌های غیراخلاقی بکار رفته در آن را برملا ساخت پس از چهل سال یعنی در سال ۱۹۷۲ متوقف شد. در آن هنگام ۲۸ نفر از داوطلبان در اثر خود سیفلیس مرده و ۱۰۰ نفر در اثر عوارض مختلف ناشی از سیفلیس جان خود را از دست

داده بودند، ۴۰ نفر از همسران داوطلبان شرکت کننده در طرح دچار سیفلیس شده و ۱۹ نوزاد هنگام تولد به سیفلیس دچار شده بودند. تازه جهانیان دریافتند که دست اندر کاران این طرح تحقیقاتی با انسانها همانند موش آزمایشگاهی رفتار می‌کردند. داوطلبان و خانواده‌های بازماندگان این طرح علیه دولت آمریکا شکایت کردند و در سال ۱۹۷۴ دولت آمریکا توافق کرد که مبلغ ۱۰ میلیون دلار خسارت به آنها بپردازد. در همان سال کنگره آمریکا قانونی را در مورد مسایل مربوط به تحقیقات ملی تصویب کرد که بر طبق آن لازم است در هر موسسه تحقیقاتی یک گروه ناظر تمام تحقیقاتی را که مربوط به انسان می‌شود تأیید کنند و از تمام انسانهای شرکت کننده رضایت نامه شرکت در پروژه تحقیقاتی را بگیرند.

سوابق قبلی

آیا این اولین باری بود که در آمریکا یک موسسه با بودجه دولتی با زیرپا گذاشتن مسایل اخلاقی-انسانی به تحقیقات علمی می‌پرداخت؟ متاسفانه پاسخ این پرسش منفی است. به علاوه این اولین باری نبود که رئیس جمهور آمریکا به خاطر تحقیقات علمی دولت بدون رعایت موازین اخلاقی، از ملت آمریکا معذرت خواهی می‌کرد. آقای کلینتون در اکتبر سال ۱۹۹۵ نیز به خاطر آزمایشهای علمی غیر اخلاقی دولت در طی سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ به طور رسمی از ملت آمریکا معذرت خواهی کرد. این آزمایشها، که بعضی از آنها سری و محرمانه بود، شامل تزریق پلوتونیوم (عنصر رادیو اکتیو) به افراد بدون اطلاع آنها و نیز خوردن مواد

غذایی رادیو اکتیو به کودکان عقب افتاده برای مطالعه نیازهای غذایی آنان بود. در همان زمان دولت آمریکا مواد رادیو اکتیو را در نزدیکی شهرها آزاد می‌کرد تا اثر تشعشعات را بر روی آنها ببیند و آسیب پذیری آمریکاییان را در مقابل این مواد تعیین کند.

البته تحقیقات علمی غیر اخلاقی دیگری هم بود که هنوز آقای کلینتون به خاطر آنها از ملت آمریکا عذرخواهی نکرده است و آنرا برای روسای جمهور آینده آمریکا گذشته است که عبارتند از:

۱- در دهه ۵۰ میلادی نیروی هوایی آمریکا رادیواکتیو را به بومیان آلاسکا می‌خوراند تا نقش غده تیروئید را در قدرت تحمل زمستانهای قطب شمال تعیین کند.

۲- پنتاگون در سال ۱۹۹۱ به سربازان آمریکایی عازم عربستان برای شرکت در جنگ علیه عراق قرصها و واکسنهایی می‌داد که توسط «اداره مواد خوراکی و دارو» تأیید نشده بود. هدف از آن نیز آزمایش تأثیر و قدرت حفاظت آنها در برابر مواد شیمیایی و زیستی موثر بر اعصاب در جنگ بود.

اینها آنچه بود که تا حالا می‌دانستیم و جزو آگاهی عمومی است. اما اخیراً «مرکز مستقل زنان» از آقای کلینتون خواسته است که به خاطر مرگ هزاران نوزاد مبتلا به ویروس ایدز که توسط «مرکز کنترل بیماریها» درمان نشدند عذرخواهی کند. در سال ۱۹۸۸ مرکز کنترل بیماریها برنامه‌ای را برای آزمایش نوزادان مبتلا به ویروس ایدز شروع کرد. متاسفانه نتیجه این آزمایشها را در اختیار والدین نوزادان یا پزشکان آنها گذاشته نشد. این برنامه تا سال ۱۹۹۶ ادامه

یافت در حالی که در این مدت دانش پزشکی پیشرفت‌های زیادی کرده بود و جلوگیری از انتقال ویروس به نوزادان و زنده ماندن آنها و مراقبت از سلامتی آنهايي که از نظر آلودگی به ویروس مثبت بودند، امکان داشت.

این مرکز در اطلاعیه خود می‌گوید: «طرح تاسکیگی جنایتی از سوی دولت آمریکا علیه سیاهان آمریکایی بود، در حالی که برنامه مرکز کنترل بیماریهای جنایتی علیه نوزادان آمریکایی بود».

سال گذشته کنگره آمریکا قانونی را تصویب کرد که بر طبق آن آزمایش نوزادان جهت ویروس ایدز اجباری خواهد بود و نتیجه آزمایش باید فوراً به اطلاع پزشک و والدین نوزاد برسد.

در تابستان امسال نیز دادگاهی در لوس آنجلس برای رسیدگی به آزمایشهایی که اخیراً بر روی افراد مبتلا به شیزوفرنی انجام شده است برگزار خواهد شد. در طی این آزمایشها که بخشی از بودجه آن از سوی دولت تأمین می‌شد و غرض از آن کشف علایم هشداردهنده بازگشت شیزوفرنی بود، داروی تعداد زیادی از افراد مبتلا به شیزوفرنی قطع شد تا کاملاً به حالت شیزوفرنی برگردند.

یک جوان مبتلا خودکشی کرد که احتمال می‌رود در نتیجه قطع دارو بوده باشد.

این دو نمونه از موارد متعددی است که خبر آن به مطبوعات و رسانه‌های جمعی رسیده است و ما از آن باخبریم. مواردی که چیزی درباره‌اش نمی‌دانیم و شاید خبرش هرگز به اطلاع ما نرسد بسیار است. کما این‌که در ماه مارس همین امسال مجلس نمایندگان آمریکا در مورد استفاده از

انسانها در تحقیقات علمی، جلساتی را برگزار کرد. در این جلسات اعلام شد که طبق یک تخمین میزان تحقیقاتی که پس از طرح تاسکیگی بدون کسب رضایت کامل داوطلبان شرکت کننده در جریان بوده و از بودجه دولت تأمین می‌شده است بیشتر از ۵۰ درصد می‌باشد. این رقم بسیار هشدار دهنده و نگران کننده‌ای است.

نگاهی به آینده

این دو پوزش رسمی آقای کلینتون به خاطر مسایل غیراخلاقی در حوزه پژوهش‌های علمی مربوط به گذشته بود. اما آیا این بدین معناست که در آینده چنین خلاف‌هایی انجام نخواهد گرفت؟ با این‌که پس از کشف هر یک از این موارد، کنگره آمریکا قوانینی را گذراند که از تکرار موارد مشابه جلوگیری شود، اما به هیچ وجه به این معنی نیست که مسایل خلاف اخلاقی نوع دیگری رخ نخواهد داد. زیرا حیطه تحقیقات علمی و به ویژه پزشکی که موضوع مورد مطالعه‌اش انسانهاست، بسیار وسیع است و هزاران راه و روش برای نادیده گرفتن و فرار از زیر بار قوانین مربوطه وجود دارد.

خیلی دلم می‌خواهد که از آقای رئیس جمهور بپرسم که آیا هم اکنون هم تحقیقاتی در جریان است که چند دهه بعد رئیس جمهور آینده آمریکا مجبور شود به خاطر آن همانند شما از ملت آمریکا عذر خواهی کند؟

مسئله اساسی اخلاقی در تمام پژوهش‌هایی که انسانها در آن شرکت دارند، چه در آمریکا و چه در سایر نقاط جهان، تضاد بین حفظ منافع داوطلب در پژوهش و نتایج و فواید حاصل از آن پژوهش است که به انسانهای دیگر خواهد رسید.

این تضاد هنگامی بیشتر پدیدار می‌شود که پژوهشگر پزشک شرکت کننده در آزمایش است، یا اعضای گروهی که در مورد پروژه تحقیقاتی تصمیم می‌گیرند، همکار محقق هستند که در طرح پژوهشی شرکت دارد، یا آنها برای ارزشیابی کار تحقیقاتی مزد می‌گیرند (کاری که روز به روز معمول‌تر می‌شود). اما این تضاد به‌ویژه هنگامی شدت پیدا می‌کند که شرکت کنندگان در این تحقیق آسیب‌پذیر و مثلاً بیمار روانی هستند، یا فقیر و بی‌خانمان و محتاج پول هستند، یا به‌شدت بیمارند و نومیدانه هرگونه کمکی را پذیرا می‌شوند و در آزمایشهای پزشکی شرکت می‌کنند. مثلاً بیماران مبتلا به سرطان‌های وخیم یا ایدز بسیار پیشرفته، هر روش و هر دارویی را برای پایان دادن به رنج خود پذیرا می‌شوند. در این موارد احتمال بسیاری می‌رود که محقق وسوسه شود که روشها یا داروهایی را که هنوز تأیید نشده‌اند و یا در مرحله آزمایش هستند، به‌عنوان آخرین پیشرفت‌های پزشکی به آنها معرفی کرده و بدون رضایت یا آگاهی کامل بیماران، بر روی آنها آزمایش کنند. هیچکس واقعاً نمی‌داند که هم اکنون این موضوع چقدر اتفاق می‌افتد.

همه این خلفکاریها در آمریکا رخ داده است. کشوری که قوانین مدونی در همه زمینه‌های اجتماعی و به‌ویژه تحقیقات علمی دارد. اما مسئله این است که در خارج از آمریکا و به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که از این قوانین خبری نیست و جان انسانها به‌علت نبودن قوانین مدون و یا حاکمیت دیکتاتورهای نظامی و یا امیران و شاهزادگان خودکامه بسیار بی‌ارزش است ابعاد خلفکاریها وسعت بیشتری پیدا می‌کند.

آزمایش داروها و بعضی روش‌های درمانی در این کشورها توسط شرکت‌های دارویی آمریکایی و اروپایی بدون رعایت مسایل اخلاقی تاکنون به دفعات متعدد گزارش شده است. جنبه دردناک قضیه در اینجاست که منافع این سرانجام به کشورها می‌رسد، زیرا مردم این کشورها قدرت پرداخت هزینه‌های چنین داروها و درمان‌هایی را ندارند.

باید دانست که تحقیقات پزشکی بر روی انسانها، پس از طی مراحل مختلف بر روی حیوانات، ضروری است و سریعترین راه برای دست یافتن به داروها و یا روشهای مفید درمانی برای افراد زیادی است. این نیز یک واقعیت است که عدم توجه به مسایل اخلاقی باعث تسریع این تحقیقات می‌شود. اما اگر قرار است که برای نفع یک جامعه بر روی بعضی انسانها آزمایش شود، دست کم باید با آگاهی و رضایت شرکت کنندگان در این آزمایشها باشد.

بطور خلاصه داوطلبین شرکت در تحقیقات پزشکی باید:

۱- پیش از شرکت در یک طرح تحقیقاتی کاملاً از موضوع تحقیقات و داروها و روشهای درمانی اطلاع پیدا کنند.

۲- خودشان شخصاً در مورد شرکت یا عدم شرکت در طرح تصمیم بگیرند و این تصمیم باید بدون تلمیع، تهدید، نفوذ مستقیم یا غیر مستقیم دیگران باشد.

۳- به‌طور آزادانه در طرح تحقیقاتی شرکت کرده و هر وقت که بخواهند به شرکت خود پایان دهند بدون آنکه رابطه‌شان با محققین دچار مشکلی شود.